

موعود نوجوان

نوعهدا

شماره ۲۶
آبان ماه
۱۴۰۰



موعود قرآن

اولین بلی

انبار سؤال

هم نفس، هر نفس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروردگارا! در چنین روزی با تو تجدید عهد
میکنم تا بعد از این، در تمام روزها این عهد و
بیعت بر گردنم بماند: تغییر نیابد و هرگز از بین نرود.

بفشر از «رعاش عهد»

آنچه در نوعهدان ۲۶ می خوانید...

حرف اول: زندگی و جنگ / ۴

پله‌های احساس: آن سفر کرده می آید / ۶

عبرت ایام: اولین بلی / ۱۸

داستان: سلام برسان! / ۲۲



آشنای غریب: ویژگی‌های امام زمان (عج) - نشانه‌های بی سابقه / ۸

ذخیره خدا: علم و عصمت امام / ۱۲

چهره‌های آخر الزمان: سید خراسانی / ۱۴

پرسش از موعود: موعود قرآن / ۱۶

رازهای دلار: طراحی دو طرفه دلار / ۲۴

رد پا: انبار سؤال / ۲۶

حرف حساب: هم دین داشته باش، هم دنیا / ۳۰

ماندگاران: یک تفاوت کوچک / ۳۲

سواد رسانه: سرگرمی / ۳۴

خوش اخلاق: زست سپاسگزارم بگیرد / ۳۶

حرف‌های دم دستی: هم نفس، هر نفس / ۴۰

آیا می دانید؟!...: دنیای کهکشانی / ۴۲

مدیر مسئول و سردبیر:

اسماعیل شفیعی سروستانی

هیئت تحریریه:

مریم محبی، مریم پاک آئین، شیدا سادات آرامی،

لیلا سادات آرامی

طراح و صفحه آرا:

سمانه ثقفی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ

نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۲۳

شماره تماس موعود: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۳۷

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۸۳۴۷

فروشگاه اینترنتی محصولات موعود: www.yaranshop.ir

نشانی در پیام‌رسان‌ها: @mouood_org

زندگی و جنگ

سردبیر

لازم نیست منتظر بمانیم. حریف همین حالا هم در میدان است و اگر چشم باز کنیم، عده بی شماری زمین خورده و نقله شده را می توانیم ببینیم که مات و مبهوت بر خاک دشمن نشستند. این مصرع از سعدی را همیشه در خاطر دارم و شاید تو هم آن را شنیده باشی:

زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو!



مگر جز این است که طبیعت با همه زیبایی هایش ما را به مبارزه می طلبد؟ هجوم سیل، قحطی، سرما، خشکسالی و آسمانی که از باریدن دریغ می کند و زمین خشکیده ای که هر دانه ای را می پوساند.

مگر جز این است که در سرزمینی فراخ در حساس ترین نقطه جهان (خاورمیانه) زندگی می کنیم، سرزمینی که هیچ گاه از شر آزار استعمارگران و هجوم بیگانگان راحت نبوده است؟!

خوب که نگاه کنی، درمی یابی که حتی فرصت سر خاراندن هم نیست تا چه رسد به مشغول شدن به کشکولی مملو از تنقلات ریز و درشت.

اما به راستی در این مدت کوتاه و این همه خطر که در کمین منتظر نشسته، چه باید کرد؟

بی شک نمی توان بی خیال، امروز را به فردا وانهاد. همچنین نمی توان با حدس و گمان و شاید پیش رفت.

قبل از هر حرکت و اقدام می بایست عزم را برای رفتن جزم کرد؛ اما به همراه شناختی که ما را در امان نگه دارد؛ یعنی درک درست از آنچه که در جهان ما می گذرد و کسب معرفت درباره مقصدی که بر می گزینیم و بالأخره شناخت مسیر رفتن، راهی که ما را از مبدأ حرکت به قصد مطلوب می رساند.

برخی همواره می پندارند که جوانان تنها در پی سرگرمی، تنوع یا چیزی برای پر کردن اوقات فراغت، همراه با چاشنی مختصری از مطالب علمی روزند. شاید از همین روست که رسانه ها جملگی تبدیل شده اند به کشکولی مملو از انواع تنقلات تا جوانان را سرگرم نمایند؛ اما وقتی به عمر کوتاهی که هیچ ضمانتی برای ادامه حتی یک ساعتش نیست، فکر می کنم و حوادث و خطراتی که در همین مدت کوتاه سر راه آدمی قرار می گیرد، به خود می گویم: مگر می شود بدون آمادگی منتظر وقوع حادثه شد؟!

مگر می شود در اوج قدرت ذهنی و جسمی جوانی از آنچه که در جهان پیرامون می گذرد، غافل بود؟!

مگر می شود چشم و گوش بسته به دنیا آمد و چشم و گوش بسته از دنیا رفت؟!

مگر می توان سرمایه بزرگ جوانی را در میان سرگرمی، تنوع و تفریح رها کرد؟!

این چه محبتی است که ما و امثال ما داریم؟ مثل این است که ما نوجوانان و جوانانمان را در میانه این روزگار رها کنیم تا ناگهان خود را با حریفی قوی و کشتی گیری پر قدرت روبه رو ببینند؛ آن وقت دیگر هیچ فرصتی برای آموختن فنّ مقابله با حریف نیست و از بیرون میدان هم نمی شود به کسی که در چنگال حریف گرفتار آمده، گفت که چه باید بکند.

شاید می خواهیم آنها را برای بهتر زمین خوردن و راحت تر خاک شدن آماده کنیم؟!

آن سفر کرده می آید

صفر علی شفايي اردکاني

ز باغ لاله نسيم بهار مي آيد
بنال قمری عاشق که يار مي آيد
رسيد مزده که از لطف عشق و بخت سپيد
انيس خلوت بزم نگار مي آيد
خوش آن دمی که سفر کرده بلاکش ما
ز مصر حادثه ها با وقار مي آيد
به سوز ندبه بخوان شعر شوق را که هنوز
شميم خون ز مزار هزار مي آيد



ویژگی‌های امام زمان (عج):

مریم پاک‌آئین

نشانه‌های بی‌سابقه



احتمالاً می‌دانید زمانی که رسول اکرم (ص) متولد شدند، طاق کسری شکست؛ اما شاید این را ندانید که کل زمین به نور آن حضرت روشن شد و ناله عجز شیاطین، تمام آسمان را فرا گرفت. رودخانه‌ای که سال‌ها خشک بود، پر آب شد و رودی که سال‌ها پر آب بود، خشک گردید. بت‌ها در کعبه و پادشاهان در سراسر زمین از جایگاهشان، پایین افتادند.^۱



همه این نشانه‌ها، خطاری بود برای جهانیان تا بدانند فرد بی‌نظیری متولد شده است. هرچند این نشانه‌ها زیاد بود، اما به پای نشانه‌هایی نمی‌رسد که در هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند. چندین و چند هزار روایت درباره ظهور حضرت مهدی (عج) در کتب مختلف روایی موجود است که از این تعداد حدود ۴۰۰ نشانه، مخصوص ظهور آن حضرت بیان شده است.

خداوند در قرآن کریم، دلیل وجود این همه نشانه را، روشن کردن حق بودن امام زمان (عج) برای مردم دانسته و فرموده است:
«زود است که آیات خود را در آفاق، اطراف و در تنهایی‌شان به آنها بنماییم تا برایشان روشن شود که او حق است.»^۲

چند نمونه از این نشانه‌ها را در ادامه می‌خوانیم:



این آیه را بخوانید: «اگر بخواهیم آیه‌ای را از آسمان بر آنها نازل می‌کنیم که گردن‌های خود را خاضعانه در مقابل آن فرود آورند.»^۳

امام باقر(ع) بروز این نشانه‌ها را در زمان سفیانی دانستند^۴ و نشانه‌ها را این‌چنین برشمردند:
«ثابت ماندن خورشید از ظهر تا وقت عصر و خارج شدن (نمایان شدن) سینه و صورت مردی در قرص خورشید که با نسبت خانوادگی‌اش [برای مردم] شناخته شده است. اینها در زمان سفیانی است و پس از او پیروانش هلاک می‌شوند.»^۵



حضرت محمد(ص) فرمودند:

«دو نشانه پیش از ظهور قائم(عج) خواهد بود: خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن.»
راوی با تعجب می‌پرسد که چگونه این واقعه در زمانی غیر ممکن رخ می‌دهد و حضرت پاسخ می‌دهد: «خودم می‌دانم چه می‌گویم. این دو نشانه‌ای است که از زمان فرود آمدن آدم سابقه نداشته است.»^۶

از امیرالمؤمنین علی(ع) درباره سرخی آسمان در زمان غیبت پرسیدند و ایشان فرمودند:
«آن، اشک همه عرش بر اهل زمین است.»^۷

وجود همین نشانه‌های خاص، نشان می‌دهد چقدر آقای ما خاص است. ممتازترین مرد عالم!



پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن شهر آشوب، «المناقب»، ج ۱، ص ۳۰.
۲. سوره فصلت، آیه ۵۳؛ به نقل از نهاوندی، علی اکبر، «العقربى الحسان»، ج ۷، ص ۳۳۲.
۳. سوره شعرا، آیه ۴.
۴. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۳.
۵. «الغیبه نعمانی»، ص ۱۶۹.
۶. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۴.
۷. «الغیبه نعمانی»، ص ۱۴۷.

سلاح علم & عصمت

علی زینالی

دین اسلام همگانی و جاودان و از بین نرفتنی است و بعد از پیامبر اکرم(ص) پیامبری نخواهد آمد. این دین الهی پاسخگوی همه نیازهای بشر است و بقای آن به وسیله خداوند تضمین شده است. این ضمانت درباره «قرآن کریم» هم وجود دارد: «و خداوند متعال این کتاب عزیز را از هرگونه تغییر و تحریف در امن و امان نگه داشته است.»

حتماً شما که قرآن خوانده‌اید، می‌دانید که احکام و قوانین اسلام، در این کتاب نیامده است؛ مثلاً خداوند فرموده است نماز بخوانید؛ اما اینکه نماز در چه وقتی خوانده شود و چند رکعت باشد، توسط پیامبر و امامان ما(ع) بیان شده است.

«۱» شرایط دشوار زندگی پیامبر(ع) و فهم کامل نشده نومسلمانان، اجازه نمی‌داد که همه قواعد اسلام بیان و پیاده‌سازی شود و حتی همان اندازه هم که اصحاب فرا می‌گرفتند، ضمانتی برای محفوظ ماندن نداشت.

حالا متوجه شدید که چرا پس از پیامبر اکرم(ص)، خداوند جانشینانی برای آن حضرت قرار داد؟

جانشینان پیامبر(ص)، مانند ایشان مجهز به سلاح علم کامل بودند تا بتوانند حقایق دین را با همه ابعاد در وقت و زمان مناسب خودش بیان کنند.

علاوه بر علم کامل، جانشینان پیامبر(ص) می‌بایست دارای عصمت باشند؛ یعنی گناه، خطا و اشتباه از آنها سر نزنند. با این سلاح بود که امامان ما(ع) می‌توانستند نقش تربیتی و حکومتی پیامبر اکرم(ص) را به عهده بگیرند، قوانین اجتماعی اسلام را اجرا و پیاده کنند و در زمان مناسبتش، امام زمان(عج) با همین دو سلاح می‌توانند حق و عدالت را در جهان گسترش دهند.

هیچ وقت بدون وجود یک امام عادل، قوانین عادلانه ایجاد نمی‌شود و عدل پیاده نمی‌گردد.

سید خراسانی

پ. میعاد

از چهره‌های
آخرالزمانی که از «ایران»
به پا می‌خیزد و سپاهش، سپاه یاران
امام است، سپاه **سید خراسانی** است. سید
خراسانی فرمانده‌ای دارد به نام **شعیب بن صالح**
که در وقت مناسب به او نیز می‌پردازیم؛ ان شاء الله.
اما درباره سید خراسانی که برخی او را هاشمی خراسانی
نیز نامیده‌اند، باید گفت: مردی است از نسل امام
حسن(ع) یا امام حسین(ع) که در هنگامه شورش سفیانی و
قیام یمانی، ظهور می‌کند و پرچم بر حق او سیاه رنگ است.
خراسانی و یمانی برای مقابله با سفیانی به پا می‌خیزند و
می‌کوشند در این راه از هم سبقت بگیرند.^۱
میان خراسانی و سفیانی در منطقه‌ای در «فارس» جنگ
رخ می‌دهد و فرمانده خراسانی در آنجا شکست سختی به
سفیانی وارد می‌کند و او را از خاک ایران به عقب می‌راند.^۲
سید خراسانی در حدیثی از امام باقر(ع) چنین معرفی
شده است:

«سید خراسانی، رهبر سیاسی است که در دست
راستش خال دارد، رهبر اعظم و سیدی بزرگوار
است که پرچم‌های نهضت به نقش او
منقوش گشته‌اند...»^۳

در روایت دیگری نیز درباره
او می‌گویند:

«خداوند آن را به
مردی از اهل بیت ارزانی دارد
که روش او براساس تقوا و عمل وی
هدایتگر مردم است. در مقام قضاوت بر
مردم، اهل رشوه نیست. به خدا سوگند من او را با
نام خود و نام پدرش می‌شناسم...»^۴
نکته آخر اینکه، سید خراسانی آخرین فردی است که
بر ایران حکومت خواهد کرد.^۵

پی‌نوشت‌ها:

۱. «معجم احادیث الامام المهدي(عج)»، ج ۵، ص ۲۵۵، ح ۱۶۸۰.
۲. «بشارة الاسلام»، ص ۱۸۴.
۳. «الممهدون للمهدي»، ص ۵۴.
۴. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۵. کورانی، علی، «عصر ظهور»، ص ۲۴۷.

موعود قرآن



پرسش: آیا در قرآن کریم اشاره‌ای به حضرت مهدی(عج) شده است؟

مطابق روایات اهل بیت(ع)، تاکنون بیش از ۱۴۰ آیه از آیات نورانی «قرآن»، به وجود امام زمان(عج) اشاره دارد. دسته‌بندی آیات موعود در قرآن به این ترتیب است:

دسته‌ای از آیاتی که به وجود امام مهدی(عج) اشاره دارد: مانند اینکه امام مهدی(ع) «غیب» عالم است که ایمان به آن، شرط ورود در حلقهٔ اهل ایمان است.^۱



بخش دیگری از آیات موعود در قرآن، به حتمی بودن ظهور امام(عج) و قطعی بودن انتقام از ظالمان و ستم‌پیشگان و استقرار حاکمیت صالحان و شایستگان بر عرصهٔ جهان اختصاص دارد. مثلاً این آیه: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده فرموده که در زمین خلافت دهد، چنان‌که امت‌های صالح پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیدهٔ آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند.»^۲ آیات دیگری هم با عباراتی نظیر: «وعده‌ای که به حق، برگردن خداوند است»،^۳ «همانا آن برحق است»،^۴ «آن زمان آمدنی است»^۵ و نظایر این تعبیر از حتمی بودن ظهور امام زمان(عج) یاد شده است.

سومین بخش از آیات موعود در قرآن، آیاتی می‌باشند که طی آنها، خداوند متعال به بیان شرایط دشوار روز میعاد و قیام موعود برای منکران و کسانی که تا آن هنگام ایمان نیاورده‌اند، پرداخته است و اهل کفر را هشدار می‌دهد. مثلاً این آیه: «بگو در روز پیروزی، ایمان کسانی که کفر ورزیدند، سودی به حالشان نخواهد داشت، و مهلت داده نخواهند شد.»^۶ آیات و تفاسیر دربارهٔ حضرت مهدی(عج) بسیار مفصل است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. سورهٔ بقره، آیه ۳.
۲. سورهٔ نور، آیه ۵۵.
۳. سورهٔ توبه، آیه ۱۱۱.
۴. سورهٔ ذاریات، آیه ۲۳ و آیات دیگر.
۵. سورهٔ زخرف، آیه ۶۶ و آیات دیگر.
۶. سورهٔ سجده، آیه ۲۹.

منبع: «ماهنامهٔ موعود»، شماره ۵۷.



اولین بلی

محمدحسن نیک‌روش

اولین نفری که کاری را انجام می‌دهد، همیشه خیلی مهم است. می‌دانید چرا؟ چون وقتی دیگران او را می‌بینند، از او یاد می‌گیرند و روش او را پیروی می‌کنند.

حتماً می‌دانید که اسلام اولین دینی نیست که پیامبرش جمله «خداوندی جز خدای یگانه نیست» را تبلیغ کرده است. حضرت عیسی مسیح(ع)، موسی عمران(ع)، ابراهیم(ع) و نوح(ع) نیز همین آئین و روش را تبلیغ کرده‌اند و اصلاً همگی آنها مأموران ویژه خداوند یکتا برای برپایی حق‌پرستی بودند.^۱

فکرش را بکنید که اگر قایل، نخستین قتل را در روی زمین انجام نمی‌داد، شاید تا امروز کسی نمی‌دانست که قتل چیست! همان‌طور که اولین قتل، ترسناک به نظر می‌رسد، در برابرش نخستین خداپرست هم زیبا و ستودنی است. اصلاً می‌دانید نخستین کسی که خداوند متعال را به خداوندی شناخت و او را معبود خود خواند، که بود؟

اگر فکر می‌کنید حضرت آدم(ع)، اولین بنده خداپرست بود، اشتباه می‌کنید. ماجرای یکتاپرستی، به پیش از هبوط حضرت آدم(ع) برمی‌گردد. به آنجایی که در کتاب‌ها، عالم ذر نامیده شده است؛ چرا که تمامی انسان‌ها از نسل حضرت آدم(ع)، از ابتدای خلقت تا آخرین آنها، در فضایی به صورت ذره‌های کوچک و بزرگ قرار گرفتند تا خداوند، خالق آنها، سؤالی بسیار مهم از آنها پرسد: «آیا من پروردگار شما هستم؟»^۲

اگر «قرآن» خوانده باشید، می‌دانید که تقریباً تمامی انسان‌ها، پاسخ دادند: «بلی!»^۳ اما فقط کسانی می‌دانند چه کسی اوّل «بله» گفت که روایات را خوانده باشند.

نخستین فردی که از میان ذرات فریاد کشید که: «بلی! تو خداوندگار یکتا هستی.» حضرت محمد(ص) بود.^۴ البته بعد از حضرت رسول(ص)، مولای ما علی(ع) و خاندان ایشان (که همگی به صورت ذره‌های نورانی در کنار دیگر مخلوقات بودند)، به یگانگی خداوند شهادت دادند و پشت سر آنها، پیامبران و انبیاء و بعد از آنها، شیعیان.^۵

بنابراین، حالا می‌توانید تصوّر کنید که تمامی انسان‌های یکتاپرست در زمین، از روز نخست تا ابدیت، همگی مدیون آن «نخستین بلی» بلند و واضحی بودند که شاید آن را به یاد نیاورند؛ اما در جانشان به عنوان عهدی با خداوند نگاشته شد.^۶

عهدی به جامانده از روز آلت که هر وقت هر انسانی با صداقت و راستی به آن بنگرد، جز خداوند یکتا در دل خود نمی‌بیند.^۷

«و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، نسل‌های آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم [که تو پروردگار مایی...]. [چنین عهدی گرفتیم] تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این [امر] غافل بودیم.»^۸

پی‌نوشت‌ها:

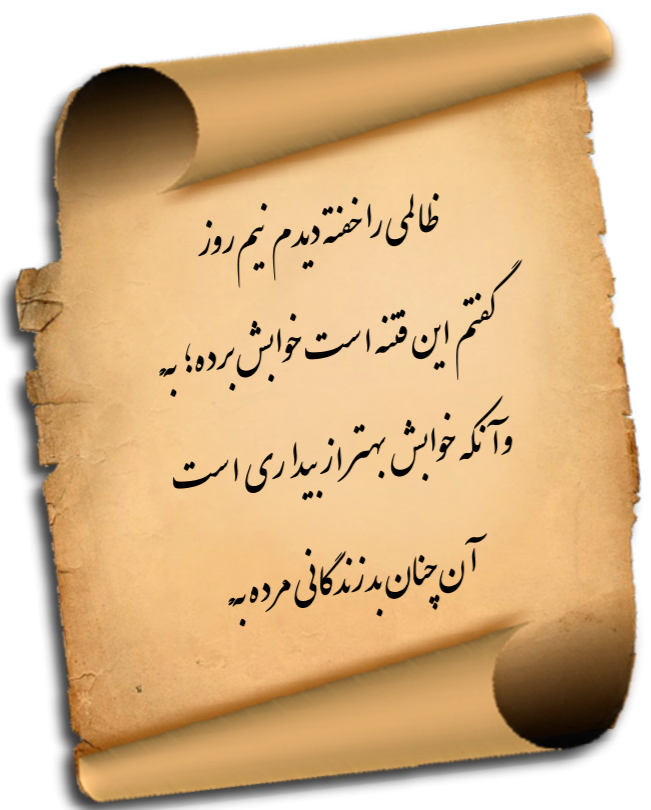
۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، «نهج البلاغه»، ترجمه دشتی، قم، چاپ اوّل، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹، خطبه ۹۱.
۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۲ «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟»
۳. همان، «قالوا بلی»
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق. ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۶.
۵. همان، ج ۲، ص ۶.

۶. بر اساس روایات، فطرت انسان‌ها سرشته شده با توحید و یکتاپرستی است و انسان‌ها یکتاپرست متولد می‌شوند: ن. ک به. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۲، ص ۱۲.
۷. همان.
۸. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

کاش بخوابی!

پادشاهی به سنگ‌دلی و بی‌رحمی معروف بود. خودش را از همه برتر می‌دانست و لحظه‌ای از ظلم به مردم دست نمی‌کشید و در عین حال ادّعی دین‌داری می‌کرد. روزی از یکی از عابدان شهر پرسید: کدام عبادت برای من از همه بهتر است تا انجام دهم؟

عابد با زیرکی پاسخ داد: برای تو خواب نیم‌روزی بهتر از هر عبادتی است، تا حداقل در آن چند لحظه خلق خدا را آزار ندهی!



منبع: بازنویسی حکایت دوازدهم از باب اول «گلستان» سعدی در باب سیرت پادشاهان.



طراحی دو طرفه دلار

در چهارم جولای سال ۱۷۷۶م. کمیته‌ای برای تصمیم‌گیری درباره نشان این کشور تشکیل شد و سرانجام، شش سال طول کشید تا دو کمیته‌ای که با هم شروع به کار طراحی نشان رسمی کردند، آن را نهایی و به مرحله تأیید برسانند.

با گذشت بیش از دو‌یست سال، نشان رسمی به سوژه مهم بحث‌های ادامه‌دار و دائمی تبدیل شد؛ مخصوصاً از زمانی که به عنوان طرح اصلی دلار تعیین گردید.



از زمان به وجود آمدن نشان «آمریکا»، سمت عقاب آن، یک نماد آمریکایی بوده است؛ اما سمت دیگرش که هرم را نشان می‌دهد، همیشه در پشت دلار دیده شده است.

حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که: چرا نشان کشور آمریکا دو طرفه طراحی شده است؟ این تصاویر درباره هدف آمریکا چه می‌گویند؟

اگرچه نشان ملی آمریکا در طول زمان تغییر کرده است، اما اساساً بر مبنای طرح اصلی اولیه‌ای است که توسط بنیان‌گذاران ایالات متحده خلق شد. در دوران انقلاب آمریکا، برای این کشور تازه‌تأسیس بسیار اهمیت داشت که با اعلام استقلال از «بریتانیا»، هویت منحصر به فرد خود را داشته باشد؛ هویتی که در مهر آن جای می‌گرفت. مهر باید به عنوان نشانی عمل می‌کرد که اهداف آمریکا را به سایر جهانیان نشان دهد. پدران بنیان‌گذار آمریکا می‌دانستند که این نشان باید همان ارزش‌هایی را بنمایاند که برایش جنگیده بوده‌اند.

بعضی معتقدند «کمیته‌های طراحی نشان» تحت نفوذ «انجمن‌های سری فراماسونری» بوده‌اند. به همین سبب، پیش از ورود به بحث طرح اسکناس دلار، ضروری است تا به طور مختصر درباره فراماسونری توضیح دهیم. در شماره بعد به این موضوع خواهیم پرداخت.

منبع: «رازهای دلار»، تألیف و تدوین: فاطمه شفیعی سروستانی، حامد کفاش، تهران، هلال، چاپ سوم، ۱۳۹۹

ما نوجوانیم؛ اما سؤال‌هایمان بعضی وقت‌ها فراتر از سن و سالمان می‌رود. از مکتب‌های فکری می‌خواهیم بدانیم و ایسم‌ها و ایست‌هایی که پایه‌های فکری آن را ساخته‌اند. در این مجموعه قصد داریم در قالب داستانی جذاب و جالب به سؤال‌های جدی شما درباره جهان امروزی پاسخ دهیم.

انبار سؤال



- راستش آب و نون هم بهونه است. چطوری بگم. گیجم، حیرانم و نمی‌دونم کی‌ام؟ کجایی‌ام؟ چی می‌خوام؟ چی باید بخوام؟ دور و بریام هم همه همینند. هر کسی ساز خودشو می‌زنه، هر کسی کاری می‌کنه، هیچی به هیچی نیست. مردم یه چیزهایی می‌گن، اما یه راه دیگه می‌روند. معلوم نیست اونا چی می‌خوان.

گاهی وقتا آرزو می‌کنم سوسک بودم، پشه بودم نمی‌دونم یه چیزی که نمی‌تونستم از خودم بپرسم کی‌ام؟ چه کاره‌ام؟ کجا می‌خوام برم؟ چرا همه چی این همه آشفته و در هم بر همه؟ اما می‌بینم که یک انسانم با دنیایی از سؤال. اونم از کی؟ از کسایی که همه‌شون مثل خودمند، راستشو بخواین من یه انبار سؤالم.

این‌همه سؤال بی‌جواب کلافه‌ام کرده، این‌قدر سؤال پراکنده دارم که نمی‌تونم جمع و جورشون کنم و منظورم را برسانم. اون روز که شما رو دیدم نمی‌دونم چرا یه چیزی تو دلم به من نهیب زد: برو! نترس! سؤال کن، پرسیدن که عیب نیست! شاید بدونه، شاید هم مثل خیلی‌های دیگه فکر کنه که کلمات بوی قورمه سبزی می‌ده. هر چی بود، جرئت کردم و ازتون خواستم که با هم حرف بزنیم.



شما گفتید که نویسنده‌اید، اگر نویسنده‌اید باید راجع به همهٔ این مسائل فکر کرده باشید، آرامشتان هم به من می‌گه که به جواب‌هایی رسیدید، خب به من هم بگویید. می‌خواهم بدونم اصلاً چرا این‌همه سؤال در ذهنم و رجه و رجه می‌کند؟

- تو ضمن حرف‌ها جواب خودت را دادی، بی‌آنکه توجهی داشته باشی. دوست من! وقتی می‌گی گاهی وقت‌ها آرزو می‌کنی که سوسک یا پشه باشی تا این‌همه سؤال تو ذهنت و رجه و رجه نکنه، یعنی سوسک و پشه نیستی و آدمی. همین فرق میان تو با دیگر موجوداته، یعنی پرسش دربارهٔ هستی.

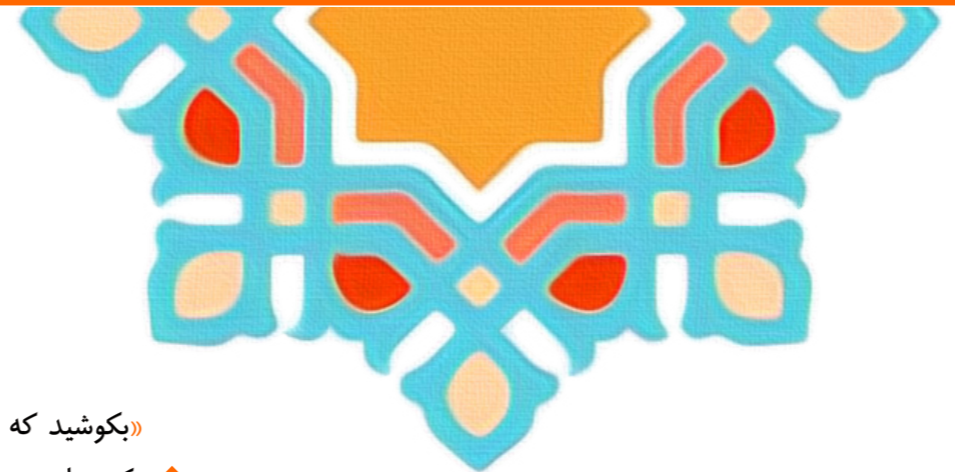
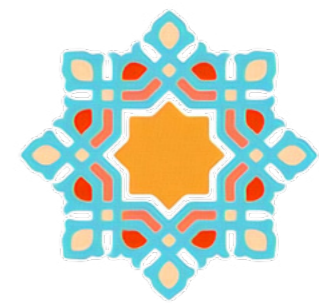
وقتی انسانی هنوز پرسیدن را شروع نکرده و حتی دغدغه و اضطرابی هم در این باره به جان او نیافتاده، معلوم می‌شود که او هنوز میان خودش و طبیعت فرقی نمی‌بیند یا خودش را هم شأن موجودات دیگری به جز انسان می‌داند؛ اما تو یک قدم جلوتری. یعنی تو پرسیدن را شروع کرده‌ای و وقتی انسانی شروع به پرسیدن کرد، معلوم می‌شود با دیگر موجودات فرق دارد؛ چون مقام پرسش، مقام آدمی است.



- آقای مهدوی! این سؤال‌ها با فاصله‌های زمانی زیاد و در مراحل مختلفی از عمر من به سراغم آمده‌اند. خوب یادمه، شش هفت سال بیشتر نداشتم. بچهٔ کنجکاو و تیزی بودم که حواسم به همه چی بود، حرف‌های بزرگ‌ترها، نقشه‌هایشان، آرزوهایشان، تلاشی که برای به دست آوردن پول و مال و قدرت داشتند، همه و همه را می‌فهمیدم. شبی در یک رؤیای کودکانه خود را در پهنهٔ کرهٔ زمین که تبدیل به دشت بزرگ و گردی شده بود، دیدم. تنهای تنها من بودم و زمینی که دیگر سبز نبود، کویر بود و بادی که می‌وزید و اسکناس‌های درشت و رنگارنگ را چون کاغذ پاره‌ای در هوا پراکنده می‌کرد و گاوصندوق‌هایی با درهای نیمه باز که طلا و جواهرات خود را چون ریگ‌های بی‌ارزش بیرون ریخته بودند. برخی از گاوصندوق‌ها زنگ زده بود و برخی تا نیمه در شن‌های بیابان فرو رفته بود، آن همه پول و طلا و جواهر بی‌ارزش و رها شده و متروک بود و من در عالم رؤیا مبهوت از سؤالات بزرگی بودم که آن‌همه تلاش و رنج بزرگترها را در نظم می‌شکست.

ادامه دارد...

برگرفته از کتاب «تولد دوباره حمید» اثر اسماعیل شفیعی سروستانی، تهران، هلال، چاپ پنجم، ۱۳۹۵



امام کاظم(ع) درباره نحوه گذراندن اوقات می‌فرمایند:

- «بکوشید که وقت شما چهار ساعت باشد:
- ← یک ساعت برای مناجات با خدا؛
- ← یک ساعت برای کار، زندگانی و معاش؛
- ← یک ساعت برای ارتباط با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیوب شما را به شما می‌فهمانند و از دل به شما اخلاص دارند؛
- ← و یک ساعت هم خلوت کنید برای درک لذت‌های حلال و با این ساعت برای انجام وظایف آن سه ساعت دیگر توانا می‌شوید.

هم دین داشته باش، هم دنیا!



به خود فقر و طول عمر تلقین نکنید؛ زیرا هر کس به خود تلقین فقر کند، بخیل می‌شود و هر که طول عمر در نظر گیرد، حریص می‌شود.



برای خود بهره‌ای از دنیا بگیرد و آنچه خواسته و میل حلال است و به مردانگی رخنه نکند و اسراف نباشد، در نظر آورید و به این وسیله، برای انجام امور دین یاری جوید؛ زیرا روایت است از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش وانهد یا دینش را برای دنیا از دست بدهد.»

منبع: «تحف العقول»، ترجمه کمره‌ای، انتشارات کتابچی، ص ۴۳۴.

یک تفاوت کوچک

شیدا سادات آرامی

به یاد علی لندی، نوجوان ۱۴ ساله قهرمان

هیچ می‌دانستید؛ آنان که قهرمان می‌شوند، آنان که ماندگار می‌شوند، آنان که در تاریخ و در جان و ذهن مردم برای خودشان جا باز می‌کنند، آدم‌هایی هستند، مثل من و تو؟! البته با یک تفاوت کوچک:

اینکه در زندگی خود تصمیم بزرگ گرفته‌اند.

این تصمیم بزرگ شاید گذشتن از پول باشد، شاید گذشتن از امکانات، شاید کمک کردن به کسی و به خصوص شاید آن تصمیم بزرگ را در کسری از ثانیه گرفته باشند.

ولی آنجایی کار قهرمان به چشم می‌آید که کسی از بهترین سرمایه‌اش، یعنی جانش برای نجات دیگری که نسبتی با او ندارند، می‌گذرد.

حالا فکرش را بکنید کسی که این تصمیم بزرگ را در لحظه گرفته، سن و سال زیادی هم نداشته باشد؛ مثلاً دهه هشتادی باشد؛ آن وقت است که می‌شود قهرمان ایران علی لندی.
علی در آن لحظه به هیچ چیز دیگری، جز نجات جان دو انسان دیگر فکر نکرد و این تصمیم بزرگ، در آن لحظه او را بلند کرد.
قهرمان دیگری هم، مثل محمد مهدی یزدانیان، نوجوان سیزده ساله یزدی، در سالروز تولد مادرش که فوت کرده بود، تصمیم بزرگی می‌گیرد. اینکه همه دارایی‌اش که مدت‌ها پس‌انداز کرده بود، برای بدهی یک مادر زندانی بدهد تا بچه‌های کوچک آن زن، طعم تلخ و گس بی‌مادری را نچشند.

ایران پر است از دهه هشتادی‌های قهرمان...
قهرمان‌هایی، از جنس من و تو.



برای بعضی‌ها ممکن است جای تعجب باشد که چرا یک صفحه ساده جوک می‌تواند این‌قدر پرمخاطب باشد یا چرا شخصیت‌های طنزپرداز، هر روز در شبکه‌های اجتماعی زیاد و زیادتر می‌شوند. اینها دقیقاً دست گذاشتند روی آن کارکرد جذاب رسانه‌ها، یعنی سرگرمی.

ما می‌دانیم بسیاری از مردم احتیاج دارند برای سرگرم شدن به رسانه‌ها رجوع کنند؛ برای همین تمامی رسانه‌های دنیا این کارکرد را در اولویت‌هایشان قرار می‌دهند.



سرگرمی

مریم محبتی

آیا همیشه سرگرمی خوب است؟

اصولاً افراط و تفریط در هر کاری غلط است، در این کارکرد رسانه هم همین‌طور. زمانی که شما زمان زیادی را به مصرف برنامه‌های سرگرمی اختصاص می‌دهید، ممکن است چند تا کژکارکرد با به زبان خودمانی ایراد داشته باشد؛ مثلاً اینکه نسبت به موضوعات مهم و اساسی زندگی بی‌تفاوت شوید و این، یعنی غفلت از واقعیت‌های اطراف.

یا ممکن است رسانه‌ها سرگرمی‌های ضعیف یا نامناسبی نمایش دهند و به مرور، سلیق، ما هم افت کند. مثل همین صفحاتی که با هر نوع مسخره‌بازی‌ای مخاطب جلب می‌کنند. این نوع طنزها سلیقه‌تان را خراب می‌کند. پس مراقب باشید، هر صفحه سرگرمی را دنبال نکنید.

یک مشکل دیگر هم تنبلی است؛ یعنی وقتی به لم دادن و سرگرمی عادت کردیم، دیگر حوصله کارهای جدی را کمتر داریم و از طرفی هر روز به این بازی‌ها و سرگرمی‌ها وابسته‌تر می‌شویم و این خودش یک آسیب جدی دیگر است.

کارکرد مهم و جذاب دیگر رسانه‌ها برای جذب مخاطب، کارکرد سرگرمی است. شما خیلی وقت‌ها نه دنبال یادگرفتن چیز جدید هستید، نه دنبال اخبار و موضوعات فرهنگی. فقط دلتان می‌خواهد یک گوشه لم بدهید و استراحت کنید و سرگرم شوید.

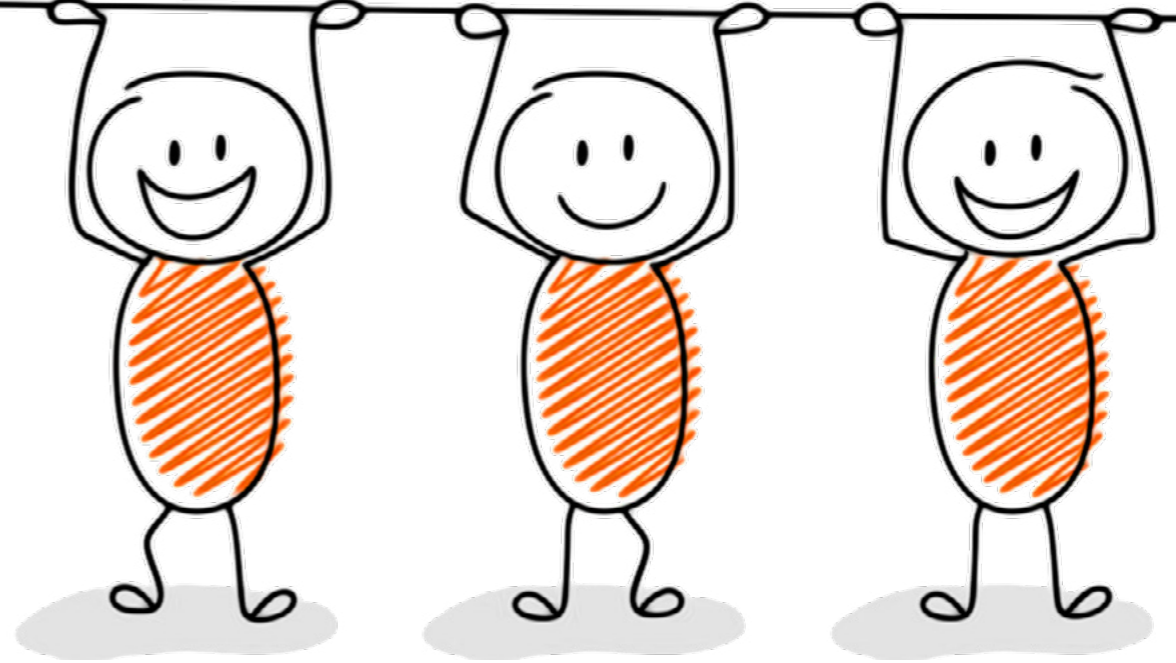
این روزها پر کردن اوقات فراغت با رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین کارهایی است که به فکرش می‌افتیم. دیدن یک فیلم یا انیمیشن، انجام یک بازی رایانه‌ای، رفتن به سینما، چرخیدن در شبکه‌های اجتماعی با مضمون طنز و... همگی بخشی از فعالیت ماست که در کارکرد سرگرمی رسانه‌ها تعریف می‌شود.

از برنامه‌های سرگرم‌کننده لذت ببریم؛
اما به اندازه، به جا و مناسب...



زهرا رهنما

زست سپاسگزارم بگیرید



اگر کسی در این روزگار نه چندان مهربان پیدا شود و یک خدمتی هرچند کوچک به شما بکند، واکنشتان چیست؟ مثل آدم‌های مسخ شده نگاهش می‌کنید و زورتان می‌آید تشکر کنید؟ یا یک مرسوی خشک و خالی می‌گویید و راهتان را ادامه می‌دهید؟ شاید هم انتظار چنین خدمتی را داشته‌اید و آن را حق مسلم خود می‌دانید یا گاهی هم خودتان را ملزم می‌دانید تا از او یک تشکر درخور و مناسب کنید. بعضی مواقع هم از اینکه کسی به شما خوبی کرده، می‌ترسید یا شوکه می‌شوید! هر برخوردی که تا به حال داشته‌اید را با برخوردهای زیر مقایسه کنید تا ببینید رفتارتان درست بوده است یا نه.

راهزن نباشیم



بدترین نوع برخورد در برابر خوبی دیگران، ناسپاسی است. گاهی پیش می‌آید که فرد نه تنها تشکر نمی‌کند، بلکه طلبکار هم هست! اگر کسی به ما خیری رساند یا لطفی در حقمان کرد، حتماً از او سپاسگزاری کنیم تا راهزن نیکی نباشیم. زیرا طبق فرموده امام صادق(ع) راهزن نیکی، مورد لعنت خداوند است. می‌دانید راهزن نیکی کیست؟ «کسی که به او نیکی شود، و او ناسپاسی کند. در نتیجه نیکوکار را از نیکی به دیگران باز دارد.»^۱

خدایا! مرسی



شاید خیلی وقت‌ها زورمان بیاید از کسی که کاری برایمان انجام داده است، تشکر کنیم. یا مثلاً تشکر کردن از بعضی افراد را کسر شأن بدانیم یا خودمان را کاملاً مستحق آن خدمت بدانیم. اگر به این دلایل یا هر دلیل دیگری، از دیگران تشکر نمی‌کنید، این جمله را هرگز از یاد نبرید: «هر کس در مقابل خوبی مردم تشکر نکند، از خدای عزوجل تشکر نکرده است.»^۲

شاید فکر کنید که همه چیز با یک سپاسگزاری ساده تمام می‌شود؛ اما این حدیث امام سجّاد(ع) گویای چیز دیگری است:

«حَقّ کسی که به تو نیکی کرده، این است که از او تشکر کنی و نیکی‌اش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خدای عزّوجلّ برایش خالصانه دعا کنی. هرگاه چنین کردی، بی‌گمان پنهانی و آشکارا از او تشکر کرده‌ای. سپس اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، جبران کن.»^۳

در حدیث دیگری، امام علی(ع)، سپاسگزاری را این طور تعریف کرده‌اند: «هر کس در برابر خوبی‌ای که به او شده، همانند آن را انجام دهد، آن را تلافی کرده است و اگر بیشتر از آن خوبی کند، سپاسگزاری نموده است.»^۴



نکته‌ای ضروری:

هر وقت به کسی خوبی کردید، به جای اینکه موارد بالا را به خاطر بیاورید این جمله را دستور کار خود قرار دهید:
 «اگر به کسی خوبی کردی در واقع با این کار، خودت را گرامی داشته‌ای و به خودت آبرو داده‌ای. پس به سبب خوبی‌ای که به خودت کرده‌ای، از دیگران خواهان تشکر مباش.»^۶

خیلی وقت‌ها، زبان سرخ ما، می‌تواند معجزه کند. جملاتی که قدرت این را دارند تا روابط افراد را دگرگون کنند. فقط کافی است که بخواهیم با دیگران خوب و مهربان باشیم. شاید دیده باشید افرادی را که هزار و یک دلیل دارند تا از دیگران قدردانی کنند؛ ممنون که با من حرف زدی، مرسی که نهار با من خوردی، ممنون که دعوتم را پذیرفتی، ممنون که بدرقه ام کردی و... غالباً این افراد، بین اطرافین بسیار محبوبند.

شاید این حدیث زیبا از امیر مؤمنان(ع) حسن ختام خوبی باشد: «سپاسگزاری‌ات از کسی که از تو ناخشنود است، سبب رفع ناراحتی و مهربانی او نسبت به تو می‌شود و سپاسگزاری تو از کسی که از تو راضی است، موجب رضایت و وفاداری بیشتر او می‌شود.»^۵



پی‌نوشت‌ها:

۱. «اصول کافی»، ج ۴، ص ۳۳، ح ۱.
۲. «عیون اخبار الرضا(ع)»، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲.
۳. «خصال»، ص ۵۶۸.
۴. «اصول کافی»، ج ۴، ص ۲۸، ح ۱.
۵. «غررالحکم و دررالکلم» ج ۴، ص ۱۶۱، ح ۵۶۶۸ و ۵۶۶۹.
۶. همان، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۳۵۴۲.



صورتش سه تیغه بود و موهایش بلند! راننده تاکسی بود؛ از این لات‌های قدیمی...
به او گفتم: ببخشید! مخاطب این جمله کیه؟

با لحن لاتی گفتم:
هر کی یه عشقی داره؛ یک کفتر بازی، یکی چاقو کشی...
مام عشقمون اربابمونه. اینو نوشتم که اگه شبی یا
نصفه شبی سوار ماشین ما شد و ما نشناختیم، حمل
بر بی ادبی نشه.



حتماً این راننده تاکسی باصفا این را می‌دانسته که امام
صادق(ع) می‌فرمایند:
«صاحب این امر، میان آنان آمد و شد نماید، در
بازارهایشان گام بردارد و قدم بر فرش‌های ایشان گذارد
و آنان او را نشناسند، تا اینکه خداوند او را اجازه فرماید
که خودش را معرفی کند...»^۱

پی‌نوشت:

۱. «الغیبه نعمانی»، صص ۱۶۳ و ۱۶۴، ح ۴.

هم نفس هر نفس

دنیای کهکشانی

منظومهٔ خورشیدی ما هم ۴/۵ میلیارد سال پیش، در میان یکی از همین ابرهای گازی متولد شد. فاصلهٔ ما از مرکز کهکشان، ۲۶۰۰۰ سال نوری است. یک بار گردش خورشید به دور مرکز کهکشان ۲۴۰ میلیون سال به طول می‌کشد. سرعت چرخش خورشید ۲۲۰ کیلومتر بر ثانیه است!

قطر کهکشان راه شیری صد هزار سال نوری است. نزدیکترین کهکشان به ما «آندرومدا» با فاصله ۲/۹ میلیون سال نوری است که دو برابر قطر راه شیری است. این دو که با سرعت ۸۰ کیلومتر بر ثانیه به هم نزدیک می‌شوند، ۱۲ میلیارد سال دیگر به هم می‌رسند و یک کهکشان بزرگ بیضوی را تشکیل می‌دهند... می‌بینید! هر چه از این بزرگی و عظمت بگوییم، باز هم حرفی برای گفتن هست.

«سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان و تلاشگران از ادای حق او درمانده‌اند.»^۱

پی‌نوشت:

۱. «نهج البلاغه»، خطبهٔ ۱.

دنیای بزرگ ما از تعداد بی‌شماری ابرخوشه تشکیل شده که میلیاردها کهکشان را در خود جای داده است. کهکشان‌ها مجموعه‌های بسیار بزرگی هستند که از ستارگان، گاز و غبار تشکیل شده‌اند. در درون کهکشان‌ها، میلیون‌ها ستاره وجود دارد که اندازهٔ بسیاری از آنها، ده‌ها بار از خورشید ما بزرگتر است.

قبلاً گمان بر این بود که فضای میان کهکشان‌ها خلأ کامل است؛

اما امروزه، دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که فضای میان کهکشان‌ها

اصلاً خالی نیست و پر است از اجرام گوناگون. بزرگترین کهکشان‌ها دارای یک

تریلیون و کوچکترین آنها دارای ۱۰ میلیون ستاره هستند. فضای خالی بین ستارگان را گازهای میان ستاره‌ای پر کردند. ستارگان جدید در میان همین گازهای میان ستاره‌ای که از هیدروژن تشکیل شده‌اند، متولد می‌شوند.

کهکشان‌ها سه نوع مختلف‌اند: مارپیچی، بیضوی، نامنظم

ما انسان‌ها در کهکشان راه شیری زندگی می‌کنیم. کهکشانی مارپیچی که از یک قرص مرکزی و چهار بازوی اصلی تشکیل شده است. در قسمت مرکزی کهکشان، سیاه چاله‌ای با جرم تقریبی دو میلیون برابر جرم خورشید قرار دارد. کهکشان راه شیری، متشکل از میلیون‌ها ستاره است و در بازوهای آن، دائماً ابرهای گازی، به تولید ستاره‌های جدید مشغول‌اند.